

## جهانی شدن و ضرورت آموزش هدفمند در عرصه فناوری‌های نوین آموزشی

زهره خوش‌نشین\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۸

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۳/۳۰

### چکیده:

جهانی شدن، فرایندی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که می‌خواهد نظامی واحد از ارزش‌ها و معانی و فعالیت‌ها را در جنبه‌های مختلف در سطح جهانی به وجود آورد و نوعی انسجام در ابعاد مختلف، از جمله تعلیم و تربیت فراهم کند؛ به گونه‌ای که اهداف، برنامه‌ها، جهت‌گیری‌ها، شیوه‌ها و محتوای تعلیم و تربیت به سمت نظام واحد جهانی در زمینه تعلیم و تربیت حرکت کند.

نمونه بارزی از عوامل مؤثر و ایجادگر تغییر و تحول در ساختار نظام‌های آموزشی در جوامع و در قرن حاضر، حضور فناوری‌های نوین آموزش و یادگیری است. این فناوری‌ها که به سوی اولویت دادن به محیط آموزشی مجاز بر واقعیت را تداعی می‌کنند، اتخاذ تدابیر خاص فرهنگی از یک سو و کسب مهارت‌های تعامل مؤثر با فناوری‌ها را ضروری می‌سازند. در این مقاله به بررسی نکاتی در خصوص جهانی شدن و ارتباط آن با آموزش و پرورش، وضعیت کشورهای در تعامل با پدیده جهانی شدن و جایگاه و رویکرد کشورهای در قبال این پدیده می‌پردازیم و در نهایت، به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستیم که عملکرد مؤثر نهاد آموزش در سیر جهانی شدن و با توجه به پدیده حضور فناوری‌های نوین، منوط به کسب چه توانمندی‌هایی است.

**واژگان کلیدی:** فناوری نوین آموزش، جهانی شدن، مهارت‌های یادگیری جدید، واکنش‌های فرهنگی.

انسان نخستین ضمن تلاش برای تأمین مواد ضروری حیات، به تدریج بر دانش و تجربه خود افزود و راه شناخت نیازها و آرزوهای خود و شیوه بیان آنها را آموخت و به این ترتیب، به نیروی اندیشه و خرد خود شکل داد؛ که تحول بزرگی بود. در تاریخ تعلیم و تربیت، هر چه به گذشته‌های دورتر می‌رویم، آموزش و پرورش را لازمه طبیعی جوامع بشری می‌یابیم. تعلیم و تربیت در سرنوشت جامعه و در تمام مراحل پیشرفت و باروری آن سهم بوده، خود نیز همواره گسترش یافته است. رسالت تعلیم و تربیت، پرورش انسان پرسشگری است که می‌خواهد از قیدهای بی‌شمار و گوناگون وجودی خود رها شود، راه تکامل همه‌جانبه خود را فراهم سازد، تا آنجا که ممکن است با رموز موقعیت فردی و اجتماعی خود و دنیای متغیری که در آن زندگی می‌کند آشنا شود، با دنیا و انسان‌هایش مرتبط شود، زندگی دهد، زندگی کند و زندگی خود را با عشق و دانش شکوفا سازد.

جهانی شدن از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه فرایند جهانی شدن هیچ تعهدی به هیچ مکتبی ندارد، ولی این پدیده جدید فراروی جوامع، خواهان انتقال و تحرک جوامع از سنت به مدرن و پسامدرن است. در طرف دیگر قضیه نیز جهانی کردن، سنت‌های محلی را از نظر دور نمی‌کند. جهانی شدن را می‌توان به صورت تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان تعریف کرد؛ به گونه‌ای که در آن، جوامع دور از هم طوری به یکدیگر وابسته می‌شوند که حوادث محلی از رویدادهایی تأثیر می‌پذیرند که در مناطق دوردست شکل می‌گیرند. در این صورت، جهانی شدن فرایندی چند علیتی، چند لایه، پر احتمال و همچنین با عدم قطعیت، پایداری و ناپایداری همراه است.

جریان جهانی شدن، ماهیتی فراملیتی برای ظرفیت‌های فنی و علمی در جهان ایجاد کرده، به عنوان یکی از چالش‌های اصلی آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه شناخته شده است. این پدیده با قرار دادن روند گسترده‌ای پیش روی خدمات آموزشی برون‌مرزی، برخی از کشورهای توسعه‌یافته را به سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آموزش، با هدف همکاری علمی با سایر کشورها در جهت ارتقای کیفیت نیروی انسانی، دستیابی به مهارت‌های موجود در مکان‌های جدید، انتخاب دانشجو برای دانشگاه‌های داخلی، کاهش هزینه‌ها، داد و ستد آزادتر و بهره‌گیری از محیط‌های سرمایه‌گذاری جدید سوق داده است. در رابطه با علل جهانی شدن می‌توان به مواردی همچون: رشد بازارهای مالی جهانی، فروپاشی نظام سوسیالیستی و پایان جنگ سرد، رشد فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، انقلاب فناوری

اطلاعات و ارتباطات، حمل و نقل بین‌المللی و مسائل زیست‌محیطی اشاره کرد. در خصوص تاریخ جهانی شدن نیز معمولاً توافقی در میان صاحب‌نظران امر وجود ندارد و هر یک بر اساس رهیافت‌های گوناگون تاریخی به این قضیه می‌نگرند؛ ولی بیشترین توافق، مربوط به دهه ۱۹۷۰ به بعد است که با کشف و استفاده از اینترنت از سوی پنتاگون، روند ارتباطات سرعت یافته است. (ایران‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

امروزه بحث جهانی شدن برای جوامع در حال توسعه، منجر به بروز چالش‌هایی شده است. این شرایط، برای آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، مسائل جدیدی از قبیل تغییرات سریع، بازسازی برنامه‌ها، انتقال انبوه دانش‌های قدیم و جدید، مسائل مدیریت و سازماندهی را به وجود آورده است.

در آموزش جدید به جای تکیه بر روش‌های سنتی حافظه‌پروری، به روش‌های تحقیق و حل مسئله توجه می‌شود و فراگیران را به مهارت‌های تصمیم‌گیری و رویارویی با مسائل پیچیده مجهز می‌کند (معیری، ۱۳۶۴: ۲). در رویکرد جدید، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، جزء مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت قلمداد می‌شوند و به جای تکیه بر تمرکز در برنامه‌ها و یکسان‌سازی، به تفاوتها احترام گذارده می‌شود. در این رویکرد، انقلابی در یادگیری صورت می‌گیرد و رسانه‌هایی چون: رادیو، تلویزیون، رایانه، اینترنت و... از طریق آموزش از راه دور، بر جریان اطلاعاتی کنترل و نظارت دارند. اندیشمندان تعلیم و تربیت معتقدند هنر آموزش زمانی شکوفا و پویا خواهد شد که ابزار بیانی و رساندن پیام برای نیل به هدف‌های آموزشی در اختیار معلمان باشد. در این مقاله تلاش می‌کنیم به اجمال پاسخ‌هایی در خور برای پرسش‌های ذیل بیابیم:

۱. جهانی شدن چه ارتباطی با آموزش و پرورش دارد؟
۲. آیا کشوری می‌تواند در راه جهانی شدن گام برنهد؟
۳. کشور ما در سیر جهانی شدن، چه جایگاهی را به خود اختصاص داده است؟
۴. عملکرد مؤثر نهاد آموزش در سیر جهانی شدن، منوط به کسب چه توانمندی‌هایی است؟

## ۱. مفهوم‌شناسی و ابعاد جهانی شدن

روند تحولات قرن بیستم، در دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد مرحله جدیدی شد و در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمامی زمینه‌ها نشان خود را بر جای گذاشت. در دهه ۱۹۸۰ برای اشاره

به این دگرگونی‌ها، مفاهیمی چون جامعه صنعتی و فرامدرن (پست‌مدرن) به کار می‌رفت؛ اما در دهه ۱۹۹۰، مفهوم جهانی شدن رایج و به مفهوم مسلط در دوران معاصر تبدیل شد؛ به گونه‌ای که امروزه همه چیز با رجوع به این مفهوم، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. در ظاهر امر، جهانی شدن یعنی ره‌سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت‌یافته که در آن، همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود. اما در واقع؛ جهانی شدن به معنای آزادی مطلق کسب و کار، برداشته شدن تمامی موانع برای جریان یافتن سهل و آسان سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه‌ها و حرکت روان اطلاعات، امور مالی، خدمات و بالاخره تداخل فرهنگ‌ها، آن هم به سوی یکسان‌شدگی و یکدستی است که تمامی این امور در مقیاسی جهانی رخ می‌دهد.

در علم معانی، جهانی شدن فرایند کوتاه کردن فاصله‌ها، تغییر در تجارب زمانی و ارائه امور با ماهیت جهانی است. به عبارت دیگر؛ هر گونه رویداد فنی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی که گستردگی منافع و رویه‌ها را ورای قلمروهای جا افتاده تقویت کند، هم منشأ و هم مبین فرایندهای جهانی شدن است. با این ملاحظات می‌توان جهانی شدن را از واژه‌هایی چون: یکپارچگی جهانی، عمومیت، غربی‌سازی و محلی کردن متمایز دانست. جهانی شدن، مرزها و هویت‌ها را کم‌رنگ‌تر می‌کند؛ به مردم، کالاها، اطلاعات، عادت‌ها، هنجارها و نهادها توجه می‌کند و به مرزها اجازه جابه‌جایی می‌دهد. از آنجا که نمی‌توان مرزهای نفوذناپذیری در مقابل اشاعه اندیشه‌ها و کالاها ایجاد کرد، بنابر این، جهانی شدن در بلندمدت به هر حال استیلا خواهد یافت. پویس‌های مرزگشای جهانی شدن دقیقاً به این دلیل بارزتر می‌شود که طی دهه‌های گذشته گسترش فراوان امکانات، منافع و بازارها، زمینه بالقوه رواج عالمگیر آنها را فراهم ساخته است. انقلاب کشاورزی و بعد از آن، دگرگونی‌های عصر صنعتی و فراصنعتی، در شمار منابع اصلی تقویت‌کننده فرایند جهانی شدن محسوب می‌شوند.

جهانی شدن در ابتدایی‌ترین معنای خود، به مفهوم کوچک شدن جهان از یک سو و افزایش سریع در آگاهی نسبت به کل جهان از سوی دیگر است. رابرتسون، به عنوان یک جامعه‌شناس، در کتاب «جهانی شدن، فرهنگ جهانی و اشارت‌های نظم جهانی»، جهانی شدن را مجموعه فرایندهایی می‌داند که به پیدایش جهانی واحد منتهی خواهد شد. جوامع در همه جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌شان به طور متقابل به یکدیگر وابسته خواهند شد و دورنمای این وابستگی‌های متقابل، جهانی شدن واقعی خواهد بود.

مفهوم جهانی شدن دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این واژه به عنوان واژه رایج دهه ۱۹۹۰، به عنوان روندی از دگرگونی، از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم و فرهنگ و کسب زندگی را نیز در بر می‌گیرد. از این جهت، جهانی شدن پدیده‌ای است که قابل تسری به اشکال گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فناوری و همچنین عرصه‌های متفاوت عمل اجتماعی نظیر محیط زیست است. (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۸۳)

## ۲. آموزش و پرورش

قبل از باز کردن بحث پیرامون جهانی شدن و ارتباط آن با آموزش و پرورش، لازم است عبارت آموزش و پرورش تعریف شود. مفهوم آموزش و پرورش اشاره به نظام آموزشی هر کشوری دارد که جریانی منظم و هدفدار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب است. لذا آموزش و پرورش، فرایندی است که طی چندین سال برای یک فرد قابل تحقق است و نتیجه یک نظام هدفمند است که اهدافش در بلندمدت متبلور شده، باعث رشد سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و توسعه پایدار جامعه خواهد شد. بنا به این ضرورت، نظام آموزش و پرورش باید مسبوق به اصلی و متوجه هدفی باشد. بنابراین تلاش‌های کورکورانه و آزمون و خطا در آن جای ندارد و اهداف غایی و واسطه‌ای آن دقیقاً معین و مشخص است. نقش آن برگرفته از عناصر آن است که به صورت نظام‌دار و منطقی با هم ارتباط دارند و هدف والای آن، به ظهور رساندن استعدادهاست. لذا به تک‌تک آحاد جامعه امکان می‌دهد برای شکوفا ساختن استعدادها، علایق و ذوق‌های خود، آزادانه تفکر کنند و بکوشند. (آمره، ۱۳۸۳: ۱۲)

آنچه از طریق تعلیم روزانه معلم حاصل می‌شود فقط بخش کوچکی از اثر و رسالت مدرسه است. آموزش و پرورش رسمی، هم کوشش‌های معلم برای انتقال دانش و مهارت زمان به نسل جوان و هم آن سلسله فعالیت‌هایی را که نقش سازنده رفتاری دارند، در بر می‌گیرد.

محتوای آموزش و پرورش باید به صورتی تهیه شود که بین وقت و سرمایه و کار مصرفی برای تربیت هر فرد و نتیجه‌ای که از این سرمایه‌گذاری‌ها حاصل می‌شود، تعادل و تناسب مطلوب را برقرار کند. این موازنه و تعادل، هم در گرو برنامه مؤثر و مفید است و هم به اجرای سنجیده و دقیق آن برنامه بستگی دارد.

آموزش جوانان طی سه قرن اخیر، رفته‌رفته تغییرات اساسی یافته است. نسل‌هایی که

در مدارس قدیم بیشتر به یادگیری خواندن و نوشتن، حساب کردن، ادبیات و فنون مناظره می‌پرداختند، جای خود را به نسل‌هایی سپردند که دروس علمی را با توجه به کاربردهای صنعتی آن، طبق برنامه‌ای منظم، در جریان یک آموزش و پرورش عمومی فرا می‌گرفتند. به این ترتیب، به آموزش و پرورش قدیم که خانواده، معلم، کتاب و دانش‌آموز بود، محملی جدید؛ یعنی بهره‌گیری از وسایل کمک‌آموزشی مانند آزمایشگاه و برنامه‌های کارآموزی نیز افزوده شد. از حدود ۳۰ سال پیش، با توجه به سرعت تغییر و تحول در علوم و فناوری، لزوم اعمال نگرش‌های جدید در برنامه‌های آموزش و پرورش در سطح جهانی، احساس و ارزش آموزش و پرورش به عنوان ابزاری برای ارتقای ظرفیت کار و تولید مطرح شد. از حدود سال‌های ۱۳۴۰/۱۹۶۰ سرمایه‌گذاری برای آموزش و پرورش در دنیا، نه فقط به این دلیل که از حقوق اساسی بشر است، بلکه به خاطر «بازده‌های اقتصادی» آن آغاز شد. از همین سال‌ها بود که نه فقط در نظام آموزش رسمی بسیاری کشورها تغییر داده شد، بلکه با توجه به مشکلاتی که همیشه در اعمال تغییر در نظام‌های رسمی وجود دارد، بهره‌گیری از امکانات آموزش غیر رسمی، که نسبت به روش‌های رسمی انعطاف‌پذیرترند نیز به عنوان محملی جدید برای آموزش و پرورش مطرح شد و استفاده از آنها رفته رفته توسعه یافت. نمایشگاه‌ها، تلویزیون، موزه‌ها و ... مراکز آموزشی و فرهنگی و خانه‌های علم از ابزارهای این محمل جدید محسوب می‌شوند. (سرکارآرانی، ۱۳۸۳: ۴۸)

### ۳. واکنش‌های فرهنگی در برابر جهانی شدن

نوع واکنش فرهنگی در مقابل جهانی شدن، بستگی زیادی به غنای فرهنگ بومی و میزان اثرگذاری آن در هویت‌بخشی به افراد و سایر شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد و در طیف گسترده‌ای از انفعال مطلق تا ستیزه‌جویی در مقابل جهانی شدن فرهنگ را در بر می‌گیرد. با این وجود، می‌توان واکنش‌های فرهنگی به این فرایند را در قالب سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد: خاصگرایی فرهنگی؛ آمیزش و تحول فرهنگی و همگونی فرهنگی.

**الف) خاصگرایی فرهنگی:** برخی نظریه‌پردازان مدعی‌اند که واکنش فرهنگی در برابر فرایند جهانی شدن، در بیشتر موارد با مقاومت و حتی مقابله پرتنش همراه است که معمولاً در قالب توسل به عناصر هویت‌بخشی زبانی، دینی، قومی و نژادی نمود می‌یابد. به بیان دیگر؛ فرایند جهانی شدن در عین حال که جنبه‌هایی از زندگی در دنیای مدرن را یکدست می‌کند، تفاوت‌های فرهنگی و هویتی را نیز تقویت و احیا می‌کند. از این رو، منتقدان تجدد،

جهانی شدن را آغاز عصری جدید می دانند که از جمله ویژگی های آن، فرهنگی شدن زندگی و برجسته تر شدن هویت های گوناگون اجتماعی است. مدافعان تجدد هم در قالب مفاهیمی مانند ضدیت با دموکراسی، احیای قبیله گری و بنیادگرایی، به این واقعیت اعتراف می کنند.

**ب) آمیزش و تحول فرهنگی:** این نوع واکنش که معمولاً با عناوینی مانند روش «پیوندی»، «تحولی»، و «غیر دفاعی»<sup>۳</sup> توصیف می شوند، بر این نکته دلالت دارند که نمی توان گفت در عصر جهانی شدن، فرهنگ ها یا باید به خلوص و ریشه خود توسل جویند یا ادغام شوند. به عبارت دیگر؛ دنیای پیچیده و متنوع فرهنگی، صرفاً عرصه تسلیم یا ستیز نیست، بلکه آنها می توانند با متحول شدن و آمیزش با فرهنگ و هویت های دیگر، به حیات خود ادامه دهند. در این رهیافت، بر داد و ستدهای بین فرهنگی و آمیزش فرهنگی برای ایجاد اشکال فرهنگی ترکیبی تأکید می شود. چنین روش و واکنشی، بیشتر توصیف گر هویت ها و انسان هایی است که از مرزهای طبیعی و معین و زادگاه خود فراتر می روند، ولی تعلق خود را به میهن خود حفظ می کنند، بدون آنکه دچار توهم بازگشت به گذشته شوند. آنان مجبورند با فرهنگ های جدید محل زندگی خود کنار بیایند، بدون اینکه هویت های اصلی خود را کاملاً از دست بدهند. در واقع؛ آنان به فرهنگ های پیوندی تعلق دارند و باید بیاموزند که دست کم با دو فرهنگ زندگی کنند. هویت سیاهپوستان در آمریکا و ملی گرایی کبک در کانادا را می توان نمونه های برجسته چنین واکنش و رهیافتی به شمار آورد.

در روایت خاص تری از این دیدگاه، می توان به تعامل فرهنگ ها اشاره کرد که در استفاده از مزایای سایر فرهنگ ها و جذب ارزش های مثبت آنها، امور ناسازگار با فرهنگ خود را طرد کرده، با غنی کردن فرهنگ بومی، مانع نفوذ عناصر محوری فرهنگ های دیگر می شود. به بیان دیگر؛ در این واکنش، ارزش ها، باورها و سایر امور زیربنایی، از فرهنگ بومی اخذ و ابزار و داده های فرهنگ های دیگر در چارچوب ارزش های بنیادین فرهنگ بومی مورد پذیرش واقع می شوند.

**ج) همگونی فرهنگی:** برخی نظریه پردازان معتقدند که فرایند جهانی شدن، نوعی همگونی فرهنگی را به همراه می آورد که در مسلط و جهانگیر شدن تجدد یا فرهنگ و تمدن غربی نمود می یابد. برای مثال، نظریه پردازانی مانند گیدنز و رابرتسن، جهانی شدن را گسترش تجدد از جامعه (غربی) به جهان و گسترش ویژگی های محوری تجدد در مقیاس جهانی می دانند. بنابر این، همگونی فرهنگی عبارت از نوعی انفعال و استحاله است. در

1. Hybridization  
2. Translation  
3. Offensive

چنین واکنشی، معمولاً فرهنگ‌ها در برابر جهانی شدن منفعل می‌شوند و حتی ضمن پذیرش فرهنگی که جهانی شدن اقتصادی حامل آن است (فرهنگ غربی)، ویژگی‌های خود را از دست می‌دهند. به بیان دیگر؛ برخی نظریه‌پردازان برآنند که جهانی شدن، زیر سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری و شرکت‌های قدرتمند چندملیتی قرار دارد و در حقیقت؛ جهانی شدن اقتصاد، نوعی جهانی شدن فرهنگی را نیز به دنبال می‌آورد. این برداشت از جهانی شدن، همان نظریه امپریالیسم فرهنگی است که فرایند جهانی شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ مصرفی می‌داند. (شیخاوندی، ۱۳۸۲: ۴۴)

با توجه به نوع جهت‌گیری فرهنگی در اشکال مذکور، جا دارد تا کشور ما به اتخاذ شیوه مناسب برای افزایش بهره‌وری علمی در عرصه آموزش و فرهنگ، به ویژه در رویارویی با علوم و فنون جدید بپردازد.

#### ۴. تأثیر جهانی شدن بر اهداف آموزش و پرورش

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزشهای فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر همین اساس، هر جامعه‌ای از انسان مطلوب خود تصویری دارد و معنا و غایت معینی برای آموزش و پرورش قایل است. از این رو، می‌کوشد افراد خود را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. بنابر این، تعیین هدفها مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگ میان جامعه و آموزش و پرورش وجود دارد. با عنایت به نیاز آموزشی انسان برای فرهنگ‌سازی و تمدن، این سازمان، جزیی از این کل ارگانیک است. پس باید گفت که همراه تغییر جهان‌بینی‌ها، فرهنگها و اعتقادات گوناگون انسان، اهداف آموزش و پرورش نیز تغییر خواهند کرد. با همه این احوال، جهانی شدن، جوامع را به اشکال گوناگون تحت تأثیر قرار داده است و نوعی تغییر در بینش دینی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنان، که از طرفی منطبق با زمان و مکان و همچنین فراتر از آن است، به وجود آورده است. می‌توان این گونه بیان کرد که در حال حاضر و با توجه به جهانی شدن مکان و زمان، اهداف آموزش و پرورش نیز طبق اصول ذیل تغییر یافته است (قاسمی، ۱۳۸۰: ۲۰):

الف) آموزش و فراگیری از حالت خشک و انفعالی یکسویه خارج شده و به صورت خیال و کنش چند سویه میان دانش‌آموزان و پرورش‌کاران پی‌ریزی و استوار شده است.





یادگیرندگان در فراگرد یادگیری، نقشی کوشاتر پیدا کرده و در تعیین و تعبیه مواد درسی، اثر در خور توجه به دست آورده‌اند.

ب) مهارت‌های ادراکی پیچیده، اهمیتی در خور توجه یافته است و کوشش می‌شود ناتوانی‌های اندیشیدن انتقادی، پرسش کردن، جستجو کردن، اندیشیدن مجرد و پدید آوردن و سنجیدن کودکان و نوجوانان با مشارکت و درگیری ذهنی و عملی آنان پرورش یابد.

ج) همه هستی انسان، کانون توجه پرورش کاران قرار گرفته است و ابعاد عاطفی، عقلی، جسمی و اخلاقی در پیوندی سازگار با هم و در پاسخ به نیازهای فردی و خواسته‌های اجتماعی پرورش می‌یابد. به عبارتی؛ انسان به صورت یک موجود خود زمان در کلیات هستی پرورش داده می‌شود.

د) یادگیری وسیله‌ای است که در راه خدمت به زندگی و گشودن دشواری‌های واقعی و افزایش شوق و تعهد استوار می‌شود و موضوعات کهنه، مرده و نامرتبط به زندگی، از درون نظام آموزش و پرورش خارج می‌شود.

ه) گذشته، حال و آینده به صورت پویا و معنادار به هم مرتبط می‌شوند و از پیوند سازنده آنها، راه پدید آمدن گزینه‌های درست برای آینده همواره می‌شود.

و) دامنه ارتباط آموزش و پرورش با مردم گسترده شده، فراگرد مشارکت و پیام‌رسانی میان آموزشگاه با جامعه، گسترده‌تر می‌شود و به صورت قانونی، آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، وظیفه مشترک میان آموزشگاه و خانواده به شمار می‌آید.

ز) ساختار آموزشگاه‌ها کوچک و پرنرمش شده، از دشواری‌های بزرگ کاسته می‌شود. با کوچک شدن آموزشگاه از پیوندهای عاطفی و شناسایی فردی سرشار می‌شود. لذا این فرایند که در بعضی کشورهای جهان در حال تکامل است، به نظر می‌رسد الگوهای مناسبی برای پیشرفت و ترقی در کشورهای جهان سوم باشد.

از آنچه صحبت شد می‌توان مهم‌ترین پیامدهای چالش برانگیز جهانی شدن تعلیم و تربیت را به طور خلاصه به شرح ذیل بیان داشت:

۱. به خاطر بی‌توجهی به توانایی‌های جوامع محلی و میزبان و تلاش در جهت القای نظام آموزشی واحد، روند جهانی شدن آثار سوء فراوانی به لحاظ محلی و بومی خواهد گذاشت؛ از جمله تضعیف نظام‌های آموزشی محلی و ملی، آن هم به خاطر حضور و غلبه کالاهای فرهنگی و تولیدات آموزشی نظام‌های سلطه‌گر در کشورهای مختلف.

۲. به خاطر وجود فناوری‌های جدید آموزشی و فناوری انتقال اطلاعات، شاهد روند

کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت خواهیم بود.

۳. به خاطر تغییرات سریع در امر تولید و فعالیت‌های اقتصادی و نیاز به افرادی که بتوانند با وسایل جدید کار کنند، برنامه‌های بلندمدت آموزشی باید به برنامه‌های کوتاه‌مدت تغییر یابند؛ مانند دایر کردن دوره‌های کارآموزی فنی و حرفه‌ای.

۴. میزان کنترل مدارس و دانشگاه‌ها بر آموخته‌ها و کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزش و پرورشی، به خاطر ظهور رسانه‌های پیشرفته و فناوری‌های جدید مانند اینترنت، ماهواره و رایانه، که همگی نقش تربیتی و آموزشی دارند، کاهش خواهد یافت. در واقع؛ تعلیم و تربیت محدود به مکانی به نام مدرسه نخواهد بود و این رسانه‌ها رقیب سرسخت مدارس خواهند بود.

۵. شیوه‌های آموزشی مبتنی بر متن‌های مکتوب، تضعیف شده، جای آن را ارسال اطلاعات به وسیله تصاویر متن‌های الکترونیکی خواهد گرفت و نظام‌های آموزشی محلی و ملی، کنترل کمتری بر منابع و کیفیت موضوعات آموزشی خواهند داشت.

۶. از آنجا که استفاده از برنامه‌های ماهواره و اینترنت و رایانه نیاز به دانستن زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی است، نظام‌های آموزشی به صورت قهری باید آموزش این زبان را از پایه‌های نخست تحصیلی در برنامه جود بگنجانند.

۷. تضعیف جایگاه ممتاز دانشگاه‌ها به عنوان محل تولید علم و جایگاهی برای تصمیم‌گیری پیرامون چگونگی آموزش، تدوین و سازماندهی محتوای برنامه‌های درسی، پیامد دیگر جهانی شدن است.

۸. با توجه به روند جهانی شدن که اغلب فرهنگ سرمایه‌داری را گسترش می‌دهد، نظام‌های آموزشی باید نیروی کار مورد نیاز شرکت‌های چند ملیتی را فراهم آورند.

۹. به خاطر کاهش اختیارات نظام‌های آموزشی محلی و ملی، به مقتضیات دینی، علمی، ایدئولوژیک و اخلاقی جوامع محلی در نظام آموزشی جهانی شده بی‌توجهی خواهد شد.

۱۰. فرهنگ جوامع سرمایه‌داری، که با سکولاریزم پیوند ذاتی و جدایی‌ناپذیر دارد و جهانی شدن هم که به طور آشکار این فرهنگ را عمومیت می‌بخشد، باعث خواهد شد نظام‌های تربیتی به سمت سکولار شدن کشیده شوند.

۱۱. به خاطر دگرگونی‌هایی که جهانی شدن در اهداف و برنامه‌های نظام‌های تعلیم و تربیت به وجود خواهد آورد، هویت ملی و محلی نظام‌های آموزشی کشورها تضعیف و در نتیجه، وفاداری به دستاوردهای فرهنگی ملی و موازین اخلاقی محلی سست‌تر خواهد شد.

۱۲. یکی از ثمرات جهانی شدن و پیشرفت‌های فناوریانه، به وجود آمدن محیط‌های یادگیری مجازی و مبتنی بر کاربرد آموزش از راه دور است که با هدف پیشبرد کیفی، شبکه توزیع دانش و آموزش عالی پویا و فعال در بیشتر کشورها با اقبال عمومی روبه‌رو شده است. این امر می‌تواند شرایط تضعیف استقلال مراکز آموزش محلی- ملی را در عرصه تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها فراهم کند.

## ۵. راهکارهای رویارویی با ضروریات جهانی شدن در عرصه پیشرفت فناوری‌های نوین آموزشی

هر علمی چه حاصل اندوخته فردی و برگرفته از منابع علمی سنتی باشد یا از طریق منابع یادگیری الکترونیکی تأمین شود، در مجموعه دانسته‌های انسانی جا می‌گیرد. اما نکته مهم، مربوط به استفاده مؤثر از منابع الکترونیکی در انتقال محدوده متنوعی از مهارت‌هایی است که کسب آن در روزگار جدید ضروری به نظر می‌رسد و در این راستا، اتخاذ تدابیری که راه حضور مؤثر و منطقی فناوری را در جامعه تعریف می‌کند. بدیهی است که تدارک چنین برنامه‌هایی برای مواجهه با عوارض ناهمخوانی فرهنگی، باید برگرفته از نیازهای ملی همان جامعه باشد. به عنوان مثال، برنامه افزایش مشارکت ملی در قرن بیست و یکم در یکی از کشورها، یادگیری مجموعه‌ای از مهارت‌ها را ضروری کرد که به دانش‌آموزان در تأمین خواسته‌های متعدد اجتماعی و شغلی (محل کار) کمک می‌کند. در این طرح برای افزایش مشارکت، بر سه نکته تأکید می‌شود: آگاهی جهانی؛ معلومات عمومی و مالی؛ سواد اقتصادی و تجاری. در راستای این طرح‌ها، روی دو نوع مهارت باید تمرکز کرد:

۱) حل مسئله، تفکر انتقادی و مهارت‌های خودنظمی،

۲) سواد فناوری ارتباطی و اطلاعاتی.

تعریف مشروح مهارت‌های مورد نیاز برای هر فرد در زمینه دو نکته مذکور که او را به توانمندی لازم می‌رساند، نیازمند توجه به مهارت‌های ذیل است:

### الف) تفکر حل مسئله، مهارت‌های یادگیری مبتنی بر خودنظمی یا نظم بین فردی

- تفکر انتقادی و سیستمی: درک و فهم شایسته از شرایط برای فراهم شدن فرصت انتخاب در موقعیت‌های پیچیده چندگزینه‌ای، درک و فهم ارتباطات بینایی در سیستم‌ها؛
- تعریف مشکل: شکل‌دهی و تعیین راه حل برای مسئله، توانایی بیان، تجزیه و تحلیل مسئله؛
- جست‌وجوگری هوشمندانه و خلاق: افزایش، اصلاح و برقراری ارتباط بین ایده‌های

جدید و قدیم، پذیرش و استقبال از چشم‌اندازهای جدید و متنوع؛  
- تأکید بر مهارت‌های بین فردی و مشارکتی: تشریح نحوه کار گروهی و هدایت و تطبیق نقش‌ها و مسئولیت‌های گوناگون با موقعیت، تمرین همدلی، توجه و احترام به چشم‌اندازهای مختلف در عرصه‌های علمی؛

- مدیریت خویشتن - هدایت درک و فهم شخصی و نیازهای یادگیری: قرار دادن منابع یادگیری در جای مناسب در ذهن، انتقال آموخته‌ها از عرصه‌ای به عرصه دیگر.

### ب) جایگاه فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) در قبال مهارت‌های دیگر

- تقویت مهارت‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعات: تحلیل، اندازه‌گیری، اداره، یکپارچگی، ارزیابی و تولید اطلاعات به اشکال مختلف و در قالب رسانه‌های مختلف؛ توجه و درک نقش رسانه در جامعه؛

- تقویت مهارت‌های ارتباطی: فهم، اداره، ایجاد ارتباطات مؤثر شفاهی، نوشتاری و چند رسانه‌ای در اشکال مختلف و در قالب رسانه‌های مختلف؛

- تقویت مهارت‌های خودتنظیمی (مدیریت خویشتن): در ارتباطات بین فردی و اجرای وظایف و افزایش علاقه به اصلاح مهارت‌های فردی باید به دنبال بهره‌وری بود.

تعریف و انتقال مهارت‌های ذهنی و حرفه‌ای از جمله خواسته‌های همهٔ مربیان است. امروزه تعریف چنین مهارت‌هایی سخت‌تر از تعریف مهارت‌هایی است که به هنگام ظهور اولیهٔ علم از طریق یادگیری الکترونیک وجود داشته است. توجه به طراحی محتوای درسی الکترونیکی، مطالعه پیرامون یادگیری الکترونیکی و آموزش مربیان به کار گرفته شده در این نظام و ارزیابی نتایج حاصل از روی‌آوری به یادگیری الکترونیکی، از جمله اموری است که کلاً با چالش روبه‌روست.

### ج) افزایش فرصت‌های یادگیری از طریق یادگیری الکترونیک

بسیاری از دست‌اندرکاران آموزش پذیرفته‌اند که آموزش در روزگار فعلی، انتقال صرف اطلاعات و وقایع را کنار گذارده، تبدیل به تسهیل‌کننده مهارت‌های عالی با فکری از نوع خلاقیت، حل مسئله، تحلیل و ارزیابی شده است. دانش‌آموزان در همهٔ موضوعات هر چه قدر به مطالعه بپردازند، هنوز هم حجم زیادی از نظریات و وقایع را برای مطالعه بیشتر پیش رو دارند که از جمله تأثیرات این وضعیت، غوطه‌ور شدن دانش‌آموزان در فرهنگ حاکم بر ارائهٔ موضوع است. دونالد (۲۰۰۲) بیان داشت که حوزه‌های معرفتی، فرهنگ‌ها و روش‌های متنوعی برای تفکر دارند. لذا به دانش‌آموزان، آموختن چگونه فکر کردن نظیر

یک فیزیکدان را به جای فکر کردن در مورد فیزیک آموزش دهیم که کلید تحقق خواسته‌های یادگیری در محیط الکترونیکی و عامل انعطاف‌پذیری است. تصمیم‌گیرندگان در خصوص شیوه کسب علم، چه از نوع شناختی یا مهارت‌آموزی، همچون دانشکده علوم پزشکی، پیشرو در توسعه رویکردهایی اند که فراگیران در محیط مجازی آن حوزه معرفتی غوطه‌ور شده، خود را با استفاده از فناوری آموزشی تجربی از نوع پژوهش موردی<sup>۱</sup> یا شبیه‌ساز<sup>۲</sup> هدایت می‌کنند. (بتهام، ۲۰۰۲: ۱۳۵)

حوزه‌های معرفتی که در قالب اطلاعات بصری ارائه می‌شوند، از جمله عناصر اصلی یادگیری‌اند و مثل هنرهای زیبا، تاریخ و باستان‌شناسی، از این توانمندی الکترونیکی بهره می‌برند؛ زیرا از مواد آموزشی مرتبط زیادی برای ارائه به دانش‌آموزان و دانشجویان رشته خود برخوردارند.

ارتباط گرفتن با چند لینک<sup>۳</sup>، به برقراری ارتباط و استفاده از چند منبع اطلاعاتی و حمایت از آموخته‌های هر مفهوم - ضمن محک زدن نظرات مختلف - کمک می‌کند.

تفسیر موضوعات و دانسته‌ها نکته مهمی است که از طریق یادگیری الکترونیکی و وقت گذاشتن برای استفاده از مواد آموزشی متنوع و آزمودن کارهای آموزشی متفاوت، به آسانی می‌توان معلومات مورد نیاز را جمع‌آوری کرد. یادگیری الکترونیکی چنین فرصتی را فراهم می‌آورد.

## ۶. ضروریات جهانی‌سازی، هویت فرهنگی و یادگیری مبتنی بر کاربرد فناوری

از همان شروع استفاده از رایانه و اینترنت در کلاس‌های درسی و در سراسر گسترش مرحله به مرحله نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، پرسش‌هایی در مورد رابطه رایانه و فرهنگ مطرح شد. فناوری جدید ارتباطات، افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر و امکانات بیشتری را برای مشارکت و تبادل نظرات و دانسته‌ها فراهم می‌کند؛ هر چند در این بین، خطر از دست دادن منحصر به فرد بودن و هویت فرهنگ وجود دارد. زیربنای فلسفی یادگیری الکترونیکی، فراهم کردن امکانات یادگیری برای انبوه فراگیران است. با این حال، واضح است که هزینه فناوری و دسترسی به اینترنت، محدودیت دسترسی به آن را برای کشورهای توسعه‌نیافته و کم‌قدرت موجب شده است. سازوکاری باید اندیشیده شود تا امکان دسترسی فراگیران به یادگیری الکترونیکی صرف نظر از قدرت آنها در پرداخت مالی فراهم شود. به

1. Case Based  
2. Stimulation  
3. Hyper linking

عبارت ساده‌تر؛ به دسترسی گسترده و ارزان- اگر نگوییم مجانی- برای اطمینان از دسترسی به اینترنت و استفاده از امکانات بالقوه آن نیازمندیم.

مانع پیچیده‌تر در دسترسی و استفاده از امکانات بالقوه اینترنت، فرهنگ خاص جوامع یا ارتباطات است. فناوری اینترنت، یک فناوری بیرونی و غیر خودی است که با سوگیری بسیار زیاد به نفع فرهنگ غربی همراه است. فرهنگ‌هایی که از ترکیب ارزش‌های فرهنگی متفاوت و برگرفته از غرب برخوردارند، اگر در آنها آزادی بیان وجود دارد و از نظر سیاسی و سایر جهات، بر اساس دموکراسی غربی تقویت می‌شوند، برای دسترسی همه مردم کشورشان به اینترنت فعالیت و ایستادگی می‌کنند. در بسیاری از این کشورها، وبسایت و سایت آزمایشی با فیلتر مربوط به خود طراحی و استفاده می‌شود. این موضوع به شدت، زبان و تنوع فرهنگی را در این کشورها متأثر ساخته است. از منظر بانک جهانی، استفاده از اینترنت و فناوری‌های مربوط به آن، روی رشد انفرادی این کشورها مؤثر بوده، زمینه‌ساز پیشرفت بیشتر ایشان در آینده است.

در گزارش‌هایی که اخیراً در مورد استفاده از فناوری آموزشی در سازمان‌ها مطرح شده، از این نکته بحث به میان آمده که انقلاب فناوری در کشورها سه دوره را طی کرده است: دوره اول، مطابقت با علم و فناوری و کسب علم مرتبط با فناوری؛ دوره دوم، مطابقت فناوری با نیازهای بومی- محلی و دوره سوم، ایجاد و ابتکار در خلق نوآوری‌های مخصوص به خود در فناوری. بر اساس گزارش‌های موجود، هدف نهایی کشورهای کم‌درآمد باید حرکت به سوی تولید محصولات و فرایندهای جدید باشد. اگر کشورها به سوی تولید فناوری مخصوص به خود و وارد کردن آن در حرفه‌آموزی و محل کار و سپس، ملاحظات فرهنگی خود حرکت کنند، به موفقیت یا شکست پیش‌بینی شده دست می‌یابند. (بتهام، ۲۰۰۲)

در مجموع به نظر می‌رسد برای رویارویی با موضوعاتی که در عرصه یادگیری الکترونیکی و مجازی و متأثر از جهانی شدن، نظام آموزش را متحول می‌سازد، توجه به موارد زیر ضروری است:

- شناسایی و بررسی آموزش و پرورش دنیا (به ویژه کشورهای موفق)،
- ایجاد بسترهای لازم از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خدمات پشتیبانی،
- ایجاد زیرساخت‌های لازم ارتباطی،
- فرهنگ‌سازی مناسب،
- توسعه سرمایه‌گذاری در زمینه تجهیز فناوری اطلاعات در مدارس و مراکز آموزشی،

- تعیین سیاست‌ها و خط مشی‌های متناسب با تحولات جدید،
- بازنگری محتوای دروس،
- بازنگری برنامه‌های تعلیم و تربیت معلمان و مدیران آموزشی،
- شناسایی مهارت‌های ویژه و مرتبط با کاربرد فناوری و بازآموزی معلمان و مربیان،
- تغییر روش‌های ارزیابی و سنجش،
- اجرای آزمایشی برنامه‌ها نخست باید در سطح کوچک مورد توجه قرار گیرد. این امر بدان منظور است که مسؤلان آموزش و پرورش، تجارب خود را در این زمینه در سطح جهانی افزایش دهند و ابعاد وسیع فنی، مدیریتی و منابع انسانی را بدون درگیر شدن در یک برنامه پرهزینه بزرگ و پذیرش پیامدهای ناشی از مخاطره‌پذیری انجام کار ناقص و قبل از موقع را مورد مذاقه قرار دهند. (عطاران، ۱۳۸۷: ۵۵)

## ۷. نتیجه‌گیری:

از مباحثی که در ارتباط با مفهوم جهانی شدن، ابعاد آن و جهانی شدن تعلیم و تربیت مطرح شد، می‌توان به این واقعیت دست یافت که جهانی شدن، فرایندی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که می‌خواهد نظامی واحد از ارزش‌ها و معانی و فعالیت‌ها را در جنبه‌های مختلف در سطح جهانی به وجود آورد و نوعی انسجام در ابعاد مختلف، از جمله تعلیم و تربیت فراهم کند؛ به گونه‌ای که اهداف، برنامه‌ها، جهت‌گیری‌ها، شیوه‌ها و محتوای تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی در زمینه تعلیم و تربیت حرکت کند. البته این تحولات باعث تضعیف ساختارهای قبلی نظام‌های آموزشی و روبه‌رو شدن این نظام‌ها با چالش‌های جدید شده است. از جمله این چالش‌ها: تضعیف ساختارها، اهداف و محتوای نظام‌های آموزشی ملی و محلی و سوق دادن مرکزیت تصمیم‌گیری‌های تربیتی و آموزشی به حالت جهانی و فراملی خواهد بود. این روند، زمینه‌ساز برخی از نابسامانی‌های فرهنگی، هویتی، آموزشی و تربیتی برای جوامع مختلف خواهد شد.

در قرن حاضر، کسی که توانایی کار کردن با رایانه را ندارد، جزء افراد بیسواد می‌داند و چه بسا افرادی در سراسر جهان هنوز نمی‌توانند به اینترنت دسترسی داشته باشند. این افراد هم اکنون در معرض خطرند و باید تدابیری اتخاذ و اقداماتی انجام شود.

با توجه به توسعه فناوری و ارتباطات که در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های انسان تأثیر گذاشته است، آموزش و پرورش نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد؛ زیرا شیوه‌های جدید



تدریس علوم، که با جذابیت و کارآمدی بیشتری توأم است، رو به گسترش می‌باشد. دسترسی به فناوری جدید، دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به دانشها و اطلاعات مفید و متنوع را ممکن می‌سازد و موجب می‌شود یادگیری بیشتر و عمیق‌تر صورت پذیرد. همچنین سبب افزایش کیفیت آموزش، کاهش هزینه‌های آموزش در درازمدت، مشارکت و فعالیت یادگیرندگان، افزایش انگیزه یادگیرندگان و تأثیرات متعددی می‌شود. بنابر این، شایسته است مسئولان آموزش کشور در برنامه‌ریزی‌ها، استفاده از فناوری‌های جدید را در آموزش و پرورش مورد توجه قرار دهند. در این زمینه می‌توان به اشکال گوناگون ذیل اشاره کرد:

- تأکید بر یادگیری سواد مبتنی بر فناوری و ارتباطات و آموزش‌هایی در این راستا؛ همچون فراهم کردن بستر بومی‌شده برای اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر ارائه این خدمات.

- استفاده بیشتر از رایانه‌ها در مدارس کشور برای انجام تمرین‌ها و انجام دادن فعالیت‌ها و تفکر خلاق از طریق نرم‌افزارها.

- سوق دادن اجزای نظام آموزشی و معلمان به آموختن مهارت‌ها و استفاده بیشتر از تجهیزات آموزشی، امکانات صوتی - تصویری و گرافیکی در امر تدریس موضوعات درسی.

- توجه به رویکردهای آموزشی در دنیا با توجه به مقتضیات محیط آموزشی ایران و ترویج آن دسته از رویکردهایی که سبب ارتقای کیفیت عملکرد محیط آموزشی می‌شوند.

## منابع:

- آمره، سمیه. (۱۳۸۳). «تأثیرات جهانی شدن و انقلاب اطلاعات بر نظام تعلیم و تربیت کشور». «فصلنامه نوآوری‌های آموزشی»، ش ۹ (پاییز).
- ایران‌زاده، سلیمان. (۱۳۸۰). «جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان». تبریز: ارک.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۰). «پدیده جهانی شدن»، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. [بی‌جا]: [بی‌نا].
- سرکارآرانی، محمدرضا و علیرضا مقدم. (۱۳۸۳). «شکاف آموزشی»، تهران: مدرسه.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۲). «جهانی شدن و هویت فرهنگ محلی». رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۲.
- عطاران، محمد. (۱۳۸۷). «فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت». تهران: مؤسسه توسعه فناوری آموزش مدارس هوشمند.
- قاسمی، علی حسین. (۱۳۸۰). «جهانی شدن، بایدها و نبایدها»، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- معیری، محمداطهر. (۱۳۶۴). «مسائل آموزش و پرورش»، تهران: امیرکبیر.
- Beetham, Helen (2007). Sharp Rhona «Rethinking Pedagogy for a Digital Age», Routledge.